



شماره هشتم، آذر ۱۳۹۱

۲ سخن نخست

۴ راهبرد نظام

۵ تحلیل

پیامدهای تنش در روابط قوا ۵ تروریسم قومی و انحراف راهبردی
 ۱۱ تحولات مهم اقتصادی کشور ۱۵ اتحاد اپوزیسیون یا رقابت
 برای جایگزینی؟ ۲۱ فشارهای جدید بین‌المللی علیه ایران ۲۵
 سیاست خارجی دوره دوم «اوباما»: مسائل و راهبردها ۲۹ توقیف
 اموال ایران در کانادا، عدول از مقررات بین‌المللی ۳۳ بحران سوریه
 و آرایش جدید مخالفان ۳۷ انقلاب‌های عربی در خلیج فارس ۴۱
 حمله اسرائیل به سودان: پیام‌ها و پیامدها ۴۵ تحولات فلسطین:
 بازگشت غزه به مرکز توجهات بین‌المللی ۴۹ تحرکات نظامی در
 محیط راهبردی ایران ۵۵

۵۹ نگاه دیگران

رابطه آمریکا با ایران در دوره دوم اوباما ۶۰ بحران موشکی کوبا و
 درس‌هایی درباره ایران ۶۱

پیش‌نگاه ۶۳

• مطالب درج شده در ماه‌نگار لزوماً بیانگر دیدگاه‌های پژوهشکده نمی‌باشد و استفاده از مطالب آن با ذکر منبع آزاد است.

* صاحب امتیاز: پژوهشکده مطالعات راهبردی
 * مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:

سعید نورایی

* دبیر: مهدی میرزاده کوهشاهی

* شورای سیاست‌گذاری (به ترتیب حروف الفبا):

میرقاسم بنی‌هاشمی، فرزاد پورسعید، دکتر ناصر علیدوستی،
 دکتر داود غریاق‌زندی، دکتر محمود یزدان‌فام

* هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر نبی‌الله ابراهیمی، میرقاسم بنی‌هاشمی، فرزاد پورسعید،
 دکتر حسن شکوه، دکتر حسن عالی‌پور، دکتر داوود غریاق‌زندی،
 دکتر محمدعلی قاسمی، دکتر عبدالله قنبرلو، عسگر
 قهرمانپور، دکتر محمود یزدان‌فام، دکتر طیبیه واعظی.

* عوامل اجرایی و فنی: مهندس علی رئیس‌دانا، اکبر

قلی‌یان، مرضیه خطیبی، احسان مرشدی

* صفحه‌آرا: ملیحه کربلایی

* ویراستار ادبی: لیلا مرادی

* طراح جلد: سیدعباس امجدزنجانی

* نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان آبان جنوبی، خیابان

رودسر شرقی، پلاک ۷

* صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

* تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۰۲۴۷۷

* دورنگار: ۰۲۱-۸۸۸۹۶۶۶۱

* رایانامه: dideban@risstudies.org



پژوهشکده مطالعات راهبردی
 خراسانی

اشاره:

نامه‌نگاری‌های مهر و آبان رؤسای قوای مجریه و قضائیه، روند مجادلات کلامی مقامات کشور را به مرحله جدیدی وارد کرد. هشدار رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۰ آبان به رؤسای قوا و دیگر مقامات مسئول نشان‌دهنده اهمیت پرهیز از تداوم تنش درون ارکان نظام است؛ زیرا، تعمیق و تشدید این اختلافات می‌تواند در سیاست داخلی و خارجی، پیامدهای گسترده‌ای را برای امنیت و منافع ملی کشور پدید آورد. این نوشته با توجه به این نامه‌نگاری‌ها و اختلافات اخیر به ارزیابی اجمالی مهم‌ترین پیامدهای امنیتی ظهور تنش در روابط و مناسبات قوا در سه بُعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد.

مقدمه

حاکمیتی باعث شده است این اختلافات رویکردی و تفسیری، به چالش‌های سیاسی مقطعی و گاهی به تنش در سطح نظام تبدیل شود. تداوم اختلاف نظرها و اصرار بر تفسیرهای شخصی و سازمانی در برخی موضوعات حقوقی و سیاسی باعث شده است دو سال گذشته در روابط قوا و نهادهای حاکمیتی در جمهوری اسلامی تنش پدید آید. تشدید و تداوم این اختلافات زمینه‌ای شد تا رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۳ مرداد ۱۳۹۰ برای بررسی و ارائه نظرهای مشورتی در موارد اختلافی و تنظیم روابط سه قوه، «هیئت عالی حل اختلاف» را تشکیل دهند. با وجود تأسیس این نهاد جدید و فعالیت‌های پیوسته آن، برخی اختلاف نظرهای چالش‌برانگیز در روابط قوا همچنان تداوم یافت. موضوعاتی مانند طرح دوباره سؤال از رئیس جمهور در مجلس و الزام قانونی دولت به توقف اجرای فاز دوم هدفمندی در آبان‌ماه، اختلاف دولت و مجلس درباره شیوه و نتایج اجرای فاز اول طرح هدفمندی، یارانه‌ها نوسانات شدید نرخ ارز و انتقاد از عملکرد مدیریتی دولت در کنترل نظام ارزی و رشد غیر متعارف تورم و بازداشت آقای «جوانفکر» (مشاور مطبوعاتی آقای «احمدی‌نژاد»)، روابط دولت را با دیگر قوا ملتهب کرد.

در عین حال، فضای سیاسی زمانی پرتنش شد که رئیس جمهور به دنبال بازداشت آقای جوانفکر، درخواست بازدید از «زندان اوین» را مطرح کرد؛ اما مقامات قضایی، هم با نامه محرمانه و هم به صورت

اختلافات و تنش‌های سیاسی بین مقامات عالی‌رتبه و نهادهای حاکمیتی را می‌توان از ابعاد و رویکردهای مختلفی بررسی و ارزیابی کرد که از آن میان به این موارد اشاره می‌کنیم: ریشه‌ها، ماهیت و منابع اختلاف؛ نقش کارگزار یا میزان عاملیت اشخاص و نهادها؛ الگوی حاکم بر مناقشه و منطق تنش‌ها؛ تمایز و تشابهات تاریخی اختلافات؛ نقش ساختارهای حقوقی و سیاسی در بروز و تداوم تنش‌ها؛ انگیزه‌ها و اهداف بازیگران از ورود به مناقشات و پیامدشناسی اختلافات. این گزارش از رویکرد پیامدشناسی اختلافات، به بررسی تأثیرات و عارضه‌های امنیتی تنش و تداوم اختلافات قوا در سه بُعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد.

در تبیین روند اختلافات در سال‌های اخیر باید یادآور شد که تفاوت در رویکردهای مدیریتی و نیز برداشت‌های مختلف از اختیارات و صلاحیت‌های حقوقی نهادهای

علنی، در نشست سخنگوی این قوه، بازدید از زندان را مصلحت ندانستند. آقای «احمدی نژاد» در پاسخ به این امر، نکات مهم نامه «آیت الله آملی لاریجانی» را علنی کرد و به شکل سرگشاده به آن پاسخ داد. این اقدام، پاسخ متقابل علنی و مفصل رئیس قوه قضائیه را در پی داشت.

نبود اجماع و تفاهم روشی یا نظری - تحلیلی
بین دولت و مجلس در عرصه‌های مهم مورد
مناقشه، مانند شیوه اجرای اصل ۴۴ قانون
اساسی، شیوه اجرای طرح راهبردی هدفمندی
یارانه‌ها یا چهارچوب مبارزه با فساد مالی و
تخلفات مدیریتی، فرصت‌های بزرگی را از نظام
گرفته است.

نباید به میان مردم کشانده و دست‌مایه‌ای برای جنجال و هیاهوی رسانه‌های بیگانه و دشمنان شود. همه باید متوجه مسئولیت خود و شرایط حساس کنونی باشند. اختلاف نظر طبیعی است؛ اما این اختلاف نظر نباید به اختلاف در عمل و گریبانگیری و مچ‌گیری در مقابل مردم، تبدیل شود. ایشان با توجه به اهمیت انتخابات در ثبات سیاسی کشور و تأثیر طبیعی تداوم تنش‌ها بر فضای انتخاباتی نیز چنین تأکید کردند: «از امروز تا روز انتخابات، هر کسی که بخواهد اختلاف‌ها را به میان مردم بکشانند و از احساسات آنها در جهت اختلافات استفاده کند، قطعاً به کشور خیانت کرده است.»

پیامدهای سیاسی

الگوی مناسبات قوا و ثبات سیاسی: اختلاف نظر بین نهادهای حاکمیتی درباره روش‌ها و سیاست‌های اجرایی و مدیریتی، حتی درباره راهبردها و خط‌مشی‌های کلان، یکی از پویایی‌ها و ویژگی‌های ذاتی نظام‌های سیاسی به شمار می‌آید. بخش مهمی از این اختلافات، برخاسته از کارویژه‌های حرفه‌ای و سازمانی این نهادهاست. بر مبنای قاعده توازن قوا، وجود اختلاف نظرها و دیدگاه‌های متفاوت و حتی متعارض در مسیر پیشبرد سیاست‌ها و اهداف ملی، از عوامل مهم کاهش آسیب‌های عمیق بلندمدت به شمار می‌آید و زمینه‌پیشگیری از اشتباهات راهبردی و انحراف قوای سه‌گانه در نظام کلان تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را فراهم می‌آورد؛ اما این اختلاف نظرها باید در چهارچوب حقوقی و سیاسی مشخصی انجام گیرد تا نه تنها به عامل تنش و اصطکاک بین نهادهای

تداوم تنش در روابط سه قوه در مهر و آبان سبب شد رهبر انقلاب به مناسبت‌های مختلف مسئولان و مقامات را از دامن زدن به اختلافات و علنی کردن آن پرهیز دهند. ایشان در جمع مردم بجنورد در ۲۳ مهرماه ۱۳۹۱، به این موضوع اشاره کردند: «مسئولین کشور اتحاد لازم را با هم داشته باشند؛ مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری داشته باشند، تقصیرها را گردن هم نیندازند، حدود قانون اساسی را نسبت به خودشان حفظ کنند. قانون اساسی ما نقص ندارد، کمبود ندارد. نقش مجلس معلوم است، نقش دولت معلوم است، نقش رئیس‌جمهور معلوم است، نقش قوه قضائیه معلوم است؛ هر کدام وظایفی دارند، باید به وظائفشان عمل کنند؛ با هم همدلی کنند، با هم همراهی کنند، با هم هم‌زبانی کنند.» اما پس از نامه‌نگاری‌های علنی غیرمتعارف رؤسای قوه مجریه و قضائیه در روزهای نخست آبان‌ماه، مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان، در هشدار صریح برای پایان دادن به اختلافات، به ویژه ضرورت پرهیز از علنی کردن و به عرصه عمومی کشاندن مسائل و چالش‌های بین قوا اتمام حجت کردند که تداوم این رویه‌ها خیانتی آشکار به شمار می‌آید: «من به مسئولان و رؤسای قوا هشدار می‌دهم که مراقب باشند و اختلافات را به میان مردم نکشاند. نامه‌نگاری‌های اخیر و مطالب آن به هیچ وجه موضوع مهمی نیست؛ اما این اختلاف نظرها

حاکمیتی تبدیل نشود؛ بلکه از پدیداری آسیب‌ها و انحراف در عرصه‌های اجرایی-مدیریتی، تقنینی و قضایی نیز پیشگیری کند. این اختلاف‌ها نباید در تعامل‌ها و بنیان‌های ضروری همکاری بین سازمان‌ها اختلال پدید آورد؛ زیرا، کارکرد، ارتباطات و مسئولیت‌های نهادهای حاکمیتی و سازمان‌های تحت امر آنها را با بحران روبه‌رو می‌کند. با توجه به اینکه الگوی روابط و تعامل نهادهای حاکمیتی، از شاخص‌های مهم امنیت و ثبات سیاسی دولت‌ها و نیز از متغیرهای مهم و مؤثر در دسترسی هر نظام سیاسی به اهداف و برنامه‌های کلان ملی است، تنش در روابط قوا می‌تواند ثبات سیاسی لازم را برای پیشبرد اهداف نظام با چالش‌هایی جدی روبه‌رو کند؛ زیرا، اگر اختلافات به سطحی از اثرگذاری مخرب برسد و ارتباط همسو و هم‌افزاینده را بین عناصر و ارکان اصلی نظام از بین ببرد، افزون بر ایجاد ناامنی سیاسی سبب می‌شود دولت از عهده انجام کارویژه‌های بنیادی و پاسخ به چالش‌های محیطی برنیاید.

اختلال در کارکرد سیستمی: در هر نظام سیاسی، نهادها و سازمان‌ها، ارتباط ارگانیکی با هم دارند و کیفیت کارکرد هر عضوی از سیستم و کل آن، تابعی از نقش و عملکرد دیگر اعضاست. از این رو، هرگونه اختلال در روابط نهادها، هم به ناکارآمدی در انجام کارویژه‌های سازمان‌ها و هم به بدکارکردی کل نظام سیاسی منجر می‌شود. از این دیدگاه، می‌توان تداوم برخی تنش‌ها و منازعات بین نهادهای حاکمیتی و بین قوا را در چند سال اخیر عامل بازدارنده‌ای در حرکت هر یک از قوای سه‌گانه و نیز کلیت نظام در دستیابی به اهداف خود دانست.

نبود اجماع و تفاهم روشی یا نظری-تحلیلی بین دولت و مجلس در عرصه‌های مهم مورد مناقشه، مانند شیوه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، شیوه اجرای طرح راهبردی هدفمندی یارانه‌ها یا چهارچوب مبارزه با فساد مالی و تخلفات مدیریتی، فرصت‌های بزرگی را از نظام گرفته است. تنش ناشی از اختلافات در این عرصه‌ها و اولویت یافتن برخی مسائل حاشیه‌ای، بر کارکرد و عملکرد اجرایی مطلوب دولت و کارویژه‌های نظارتی مجلس، قوه قضائیه و دیگر نهادها تأثیر منفی داشته و بر کارکرد سازمان‌ها و دستگاه‌های تحت امر این قوا که پیوستگی و ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند، اثر گذاشته است.

سیاسی شدن موضوعات بوروکراتیک: استنباط‌ها و برداشت‌های متفاوت از موضوعات عادی باعث می‌شود افراد و نهادها در روابط بین خود، هرگونه مخالفت دیگران با سیاست، دیدگاه و رفتارهایشان را با بدگمانی و انگیزه‌های خصمانه همراه بدانند و آن را در چهارچوب جنگ قدرت تفسیر کنند. در این روند، اختلاف نظر‌ها بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد و موضوعات عادی بوروکراتیک را به موضوعات حاد سیاسی-هویتی‌ای تبدیل می‌کند که نمی‌توان درباره آنها مذاکره کرد و سازمان‌ها را نیز از دستیابی به راه حل‌های مدیریتی و متعارف دور می‌کند.

تداوم مجادلات و مسئله کارآمدی مکانیزم‌های حل اختلاف: در جمهوری اسلامی، مکانیزم‌های حقوقی-سیاسی چند لایه‌ای برای حل و فصل اختلافات وجود دارد. افزون بر این نهادها، رهبر انقلاب اسلامی نیز مسئولیت تنظیم روابط قوا را بر عهده دارند. تداوم اختلافات و تبدیل آنها به تنش بین ارکان نظام به منزله ناکارآمدی نظام حقوقی-سیاسی حل اختلاف نظر‌هاست که در بلندمدت می‌تواند مشروعیت نهادهای حاکمیتی را زیر سؤال ببرد. در واقع، تعمیق تنش‌ها و بی‌توجهی دو طرف مجادلات و مناقشات حقوقی و سیاسی، فصل‌الخطاب بودن قانون و نهادهای حقوقی و سیاسی را با چالش در داخل و خارج روبه‌رو می‌کند و زمینه سوءاستفاده جریان‌های معارض را فراهم می‌آورد. برای نمونه، مشاجرات اخیر بین رؤسای قوای مجریه و قضائیه زمینه‌ای شد تا اپوزیسیون خارج از کشور به اظهار نظر درباره این موضوع بپردازد. برای نمونه، سایت ضد انقلاب ایرانیان نوشت: «... احمدی‌نژاد نشان داده که حاضر نیست همانند سران دیگر جمهوری اسلامی از رهبری اطاعت کند یا نظر او را فصل‌الخطاب بشمارد. این تنها یک اختلاف و تصادم شخصیت‌ها نیست؛ بلکه از یک افتراق عمیق ایدئولوژیک در درون حکومت حکایت می‌کند...»

فرصت طلبی و امیدواری اپوزیسیون؛ یکی از هزینه‌ها و پیامدهای مهم علنی شدن اختلافات و طرح آنها در عرصه عمومی را می‌توان بهره‌برداری‌های گسترده دشمنان خارجی و اپوزیسیون برای نشان دادن شکاف‌های سیاسی-ایدئولوژیک بین ارکان حاکمیت و مقامات عالی‌رتبه نظام دانست. مروری بر اخبار و تحلیل‌های رسانه‌های گوناگون آنها در چند هفته اخیر، پس از نامه‌نگاری‌های رؤسای قوا و نیز طرح سؤال مجدد از رئیس جمهور در مجلس نشان می‌دهد دولت‌های بیگانه و عناصر ضد انقلاب خارج از کشور افزون بر ارائه تفسیرهای دلخواه از این مجادلات، نسبت به تشدید شکاف‌ها

اختلاف نظرهای بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد و موضوعات عادی بوروکراتیک را به موضوعات حاد سیاسی- هویتی‌ای تبدیل می‌کند که نمی‌توان درباره آنها مذاکره کرد و سازمان‌ها را نیز از دستیابی به راه حل‌های مدیریتی و متعارف دور می‌کند.

کند اختلافات و مناقشات سیاسی موجود در جمهوری اسلامی نشان‌دهنده جنگ قدرت بین جناح‌های سیاسی، ارکان نظام و شخصیت‌های طراز اول نظام و جدالی برای به دست آوردن و تثبیت جایگاه سیاسی بالاتر و حتی رقابت برای ثروت است. همچنین، اپوزیسیون در رویارویی با مجادلات کلامی مقامات و قوای سه‌گانه، در صدد ایجاد این تلقی است که تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی چالش‌ها و مشکلات زیادی برای نظام ایجاد کرده و مقامات طراز اول نظام برای فرار از پاسخگویی در قبال عملکردهای نظام‌مدیریتی و نهادهای تحت امر خود در صدد فرافکنی مشکلات و مشغول کردن اذهان و افکار عمومی به موضوعات حاشیه‌ای و بی‌ارزش‌اند. برای نمونه، پایگاه خبری روزآنلاین وابسته به اپوزیسیون در چهارچوب چنین تحلیلی نوشت: «با قرارگرفتن کشور در شرایط بحرانی اقتصادی- سیاسی و گسترش نارضایتی‌های مردم، اختلافات و شکاف‌ها در جمهوری اسلامی افزایش یافته، تا جایی که این اختلافات از میان دسته‌ها و گروه‌های مختلف جناح حاکم به سران و رؤسای حکومت منتقل شده است و حتی هشدارهای رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر کنار گذاشتن اختلافات نیز دیگر سازگار نیست.»

پیامدهای اجتماعی

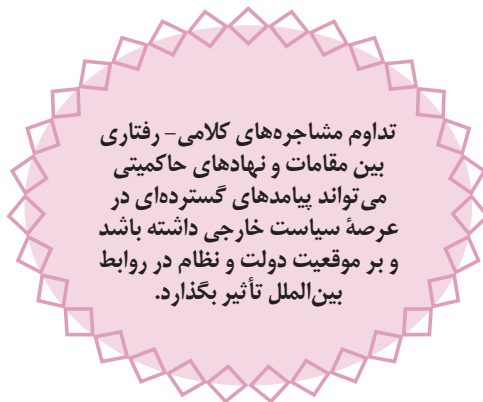
بی‌اعتمادی مردم به ارکان نظام: یکی از پیامدهای مهم علنی شدن اختلافات بین قوا، تشویش اذهان عمومی و ایجاد اضطراب اجتماعی درباره کارویژه‌ها و درستی عملکرد قانونی قوا و نهادهای جمهوری اسلامی است. ایراد اتهامات بی‌سابقه سران

و ظهور بحران درون نظام بسیار امیدوار شده‌اند. آنها به چند روش در صدد بزرگ‌نمایی و ارائه تفسیرهای خاصی از واقعیت‌های سیاسی داخل کشورند. هم کشورهای متخاصم و هم گروه‌های ضد انقلاب می‌کوشند اتهامات مقامات علیه یکدیگر را درباره رعایت نکردن حقوق مردم تأیید ادعاهای خود در چند سال اخیر و سندی برای اثبات حقانیت و درستی اتهاماتشان و دیگر نهادهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی نشان دهند. برای نمونه، گفته رئیس جمهور در نامه علنی خود: «...آیا می‌توان برای آحاد مردم که پشتیبان خاصی جز خداوند ندارند، امنیت قضایی متصور بود...» یا تمثیل رئیس قوه قضائیه: «... حکایت شما حکایت سلطانی است که اموال و املاک مردم را غاصبانه تصرف کرده بود و به ملک خود منضم ساخته بود و به همه می‌گفت چرا رعایت ملک سلطان نمی‌کنید...»، تفسیر و از آنها بهره‌برداری‌های گسترده‌ای شده است. اپوزیسیون در روشی دیگر می‌کوشد به مردم و مخاطبان تلقیق

را نمایندگی می‌کنند، بروز تنش در میان آنها به بروز شکاف و جبهه‌بندی در عرصه اجتماعی می‌انجامد و تداوم و تعمیق آن می‌تواند زمینه‌ای برای افزایش تنش در انتخابات آتی ریاست جمهوری باشد.

پیامدهای اقتصادی

افزون بر پیامدهای سیاسی و اجتماعی، تنش در مناسبات قوا به شکل درخور توجهی می‌تواند بر روند و ظرفیت‌های اقتصاد ملی نیز تأثیر گذارد. حوزه‌ها و مکانیزم‌های تأثیرگذاری تنش در فضای سیاست داخلی را می‌توان در نکته‌های زیر توضیح داد:



غفلت از فشارها و تحریم‌های بین‌المللی: جهان غرب به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای، جنگ تمام عیاری را در عرصه اقتصادی و تجاری علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده و بدین ترتیب، نبض اقتصاد کشور، یعنی صنعت نفت و نیز نبض تجارت کشور، یعنی نظام بانکی و اعتباری را نشانه گرفته است. برای مقابله با این جنگ همه جانبه اقتصادی به انسجام سیاسی - مدیریتی تمام عیار همه ارکان نظام نیازمندیم تا بدین ترتیب، از فشارهای بی‌سابقه بر تمام قلمروها مانند بخش صنعت و بخش‌های انرژی و کشاورزی بکاهیم و از وارد آمدن فشارهای بیشتر نیز جلوگیری کنیم. هرگونه غفلت مسئولان از ابعاد، ماهیت و گستره حمله اقتصادی و درگیر شدن در موضوعاتی کم ارزش صدمات جبران ناپذیری بر اقتصاد ملی خواهد داشت که به فرسایش اقتدار نظام و کاهش انرژی سیستم برای رویارویی با چالش‌های اقتصادی پیش‌رو منجر خواهد شد.

تأثیر تنش‌های داخلی بر بازار سرمایه و ارز: تجربه طولانی همه کشورها نشان می‌دهد رشد یا بحران در عرصه اقتصادهای ملی بیش

نظام علیه یکدیگر و تکذیب سخنان یا مواضع جلسات مشترک، به ویژه ایجاد شک و تردید دولت درباره بی‌توجهی قوه قضائیه به حقوق اساسی مردم و نیز ایراد اتهام مجلس یا دستگاه قضایی به بی‌توجهی دولت به مسائل معیشتی و چالش‌های اقتصادی از موضوعاتی است که تأثیرات بسیار مخربی بر اعتماد عمومی نسبت به دستگاه‌های نظام دارد و در نهایت، مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را در میان مردم با پرسش‌های گوناگونی روبه‌رو می‌کند.

ناامیدی جامعه نسبت به حل چالش‌های

اساسی: هرچند یکی از روش‌های مهم رسانه‌های بیگانه و ضد انقلاب در رویارویی با اختلافات قوا، تلقین بحران هم‌بستگی سیاسی در رأس نظام و متقاعد کردن افکار عمومی و بخشی از جامعه نسبت به نبود انسجام سیاسی میان ارکان حاکمیتی است، تشدید و تداوم اختلافات و مجادلات کلامی و غیر کلامی می‌تواند به تسهیل زمینه‌های روانی پذیرش چنین اتهامی و ایجاد اتهامات گسترده در فضای سیاسی کمک کند. به طور طبیعی، چنین امری، نه تنها مردم را نسبت به وحدت و انسجام سیاسی درونی مردم می‌کند؛ بلکه جامعه را نسبت به امکان کاهش چالش‌های معیشتی و حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از فشارهای خارجی ناامید می‌سازد.

ایجاد شکاف و چندپارچگی اجتماعی:

یکی از پیامدهای مهم تشدید تنش‌ها و اختلافات بین اجزای اصلی نظام، رشد زمینه‌های چندپارچگی اجتماعی میان مردم و گروه‌های اجتماعی است. با توجه به اینکه شخصیت‌ها و مقامات سیاسی بخشی از گروه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه



از عوامل خارجی، از فضای سیاسی داخلی تأثیر می‌پذیرد. تنش‌ها و بحران‌های سیاسی همواره بر اقتصاد ملی اثر داشته است و می‌تواند آن را در معرض تندبادهای شدیدی قرار دهد. سرمایه‌های خارجی و داخلی در کشور، زمانی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت تبدیل می‌شوند که تنش‌های سیاسی در کمترین حد و منابع و مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات کارآمد باشند و بازیگران عرصه سیاسی نیز به این مکانیزم‌ها احترام بگذارند. تنش‌های سیاسی همواره، عامل فرار سرمایه‌های داخلی و مانع ورود سرمایه‌های مولد خارجی به شمار می‌آیند. همچنین، بازار ارز در کشورهایی که با بحران و تنش سیاسی روبه‌رو هستند، همواره، متلاطم است و نوسانات گسترده‌ای را در ارزش پول ملی پدید می‌آورد. این دو موضوع سم مهلکی برای ثبات اقتصادی و حرکت به سمت رونق اقتصاد ملی‌اند. بر این مبنای، تداوم تنش‌های سیاسی میان قوای نظام در وضعیت تحریم، به مثابه مکانیزم مکمل جنگ همه‌جانبه اقتصادی عمل خواهد کرد.

پیامدها و بازتاب‌های بین‌المللی

تداوم مشاجره‌های کلامی - رفتاری بین مقامات و نهادهای حاکمیتی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در عرصه سیاست خارجی داشته باشد و بر موقعیت دولت و نظام در روابط بین‌الملل تأثیر بگذارد. پیامدهای منفی تداوم اختلافات در عرصه خارجی عبارت‌اند از:

فرصتی برای جنگ روانی: تنش بین نهادها و مقامات، دو زمینه ناخوشایند را در عرصه جنگ روانی برای رسانه‌های متخاصم ایجاد می‌کند. نخست اینکه آنها تداوم مناقشات را نشانه‌ای از ظهور حاکمیت دوگانه در سطح نظام سیاسی بیان می‌کنند. دوم، با به راه انداختن هیاهوی رسانه‌ای، اختلافات بین مقامات و نهادها را در مباحثی مانند نوسانات نرخ ارز و سیاست‌های ارزی دولت، مجادلات مربوط به آثار و نتایج هدفمندی یارانه‌ها و نیز شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تورم و بیکاری را نشانه‌های اثرگذاری تهدیدها و فشارهای بین‌المللی معرفی می‌کنند. بر این مبنای، در جنگ روانی رسانه‌ای، حاکمیت دوگانه و تأثیرات تحریم‌ها و فشارهای خارجی، به عنوان زمینه بروز و تداوم تنش در بین نهادها و مقامات جمهوری اسلامی تبلیغ می‌شود.

غفلت از اجماع ملی در برابر تهدیدات: با توجه به روند روزافزون تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی و حساسیت مقتضیات زمانی، حرکت به سمت وفاق و اتحاد ملی ضرورتی راهبردی

و آشکار است. یکی از پیامدهای مهم درگیر شدن ارکان نظام در برخی موضوعات حاشیه‌ای، غفلت از تمرکز فکری و اجماع در رویارویی با فشارهای بین‌المللی سیستماتیک علیه دولت و ملت ایران است. تحولات سرنوشت‌ساز منطقه‌ای مانند بحران سوریه و ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی ایجاب می‌کند تا از هرگونه اتلاف انرژی نظام و دولت در مسائل بی‌ارزش پرهیز شود و دولت و دیگر نهادها تمرکز لازم را در عرصه سیاست خارجی داشته باشند.

کاهش اثرگذاری دولت در سیاست

خارجی: یکی دیگر از پیامدهای ناگوار ورود قوای نظام به تنش‌های داخلی، کاهش نقش آفرینی دولت در عرصه بین‌المللی و مسائل منطقه‌ای است. با توجه به اینکه دولت دهم در سال آخر مسئولیت خود به سر می‌برد، هرگونه تضعیف نقش دولت در داخل می‌تواند توان دیپلماتیک دولت را در بهره‌گیری از فرصت‌ها، کنترل بحران و اثرگذاری در تحولات منطقه‌ای کاهش دهد. مبنای این ادعا آن است که دولت‌ها و بازیگران خارجی، ارزش و اهمیت چندانی بر مواضع، تعهدات و روابط یک دولت ضعیف و در سال پایانی حیات خود در سیاست خارجی قائل نخواهند شد. همچنین، یک دولت درگیر در مناقشات داخلی، افزون بر کاهش توان اثرگذاری و نقش آفرینی در مسائل منطقه‌ای، در بهره‌گیری از برخی فرصت‌های خاص خود نیز مانند ریاست جنبش عدم تعهد موفق نخواهد بود.

